ادامه از صفحه ۹

درباره راهکارهای تولید، گسترش و انباشت سرمایه اجتماعی

جامعه ایرانی به چه نیاز دارد؟

ادامه از صفحه ۹

سرمایه در پیوند با قدرت

از نظر بوردیو سرمایه همزمان هم مربوط به علم اقتصاد است و هم مجموعه‌ای از روابط مبتنی بر قدرت که قلمروها و تعاملات اجتماعی مختلفی را به وجود می‌آورد و معمولا نامرتبط با علم اقتصاد تصور می‌شود. سرمایه فرآیندی است که ذاتا با قدرت پیوند دارد. درواقع استنباط بوردیو از سرمایه به گونه‌ای است که او تقریبا سرمایه و قدرت را مترادف با هم می‌داند. او بین شبکه‌های اجتماعی که یک فرد در آنها جای گرفته و از دل این شبکه‌ها است که سرمایه اجتماعی پدیدار می‌شود و پیامدهای روابط اجتماعی، تفاوت قائل می‌شود. یعنی شبکه‌های اجتماعی را نباید صرفا با تولیدات روابط اجتماعی برابر دانست، زیرا چنین کاری شبکه‌های اجتماعی را نامرئی می‌سازد شبکه‌هایی که می‌توانند بسیار متراکم باشند ولی در عین حال به دلیل عدم دسترسی به آنها نمی‌توانند منابعی را تولید کنند. به نظر بوردیو سرمایه هر منبعی است که در عرصه خاصی اثر گذارد و به فرد امکان دهد که سود خاصی را از طریق مشارکت در رقابت بر سر آن به دست آورد. سرمایه از نظر بوردیو سه شکل اساسی دارد؛ اقتصادی که قابل تبدیل شدن به پول است و به شکل حقوق مالکیت قابل نهادینه شدن است، فرهنگی که در برخی شرایط به سرمایه اقتصادی تبدیل می‌شود و به شکل کیفیت آموزشی نهادینه می‌شود و اجتماعی که از تعهدات اجتماعی ساخته شده و تحت برخی شرایط قابل تبدیل به سرمایه اقتصادی است یا ممکن است در شکل یک عنوان اشرافی نهادینه شود.

پی‌یر بوردیو بر تبدیل‌پذیری اشکال مختلف سرمایه به نوع اقتصادی آن تاکید دارد. وی سرمایه اقتصادی را به عنوان کار انسانی انباشته شده تعریف می‌کند. پس کنشگران از طریق سرمایه اجتماعی می‌توانند دسترسی مستقیمی به منابع اقتصادی داشته باشند. آنهایی می‌توانند سرمایه فرهنگی خود را از طریق تماس با کارشناسان یا افراد معتبر افزایش دهند یا به گونه‌ای دیگر آنهایی توانند با موسساتی که اعتبارات با ارزش، عرضه می‌دارند، مرتبط شوند.

به سوی سرمایه انسانی

جیمز کلمن مانند بوردیو مفهوم سرمایه اجتماعی را از اقتصاد به جامعه‌شناسی آورد. کلمن سرمایه اجتماعی را برحسب کارکردی که دارد تعریف کرده است. به عقیده او این مفهوم نه یک موجود منفرد، بلکه دربرگیرنده موجودیت‌های مختلفی است که تمامی آنها در دو عنصر مشترک هستند، یعنی همه آنها جنبه‌ای از ساخت اجتماعی را در خود دارند و واکنش معینی از کنشگران را در درون این ساختار تسهیل می‌کنند. سرمایه اجتماعی همانند دیگر اشکال سرمایه مولد است و رسیدن به اهدافی را امکان‌پذیر می‌سازد که در نبود آن، دسترسی به آن اهداف ناممکن خواهد بود. سرمایه اجتماعی همانند سرمایه مادی و سرمایه انسانی، کاملا قابل مبادله نیست اما می‌تواند مختص به فعالیت‌های مشخصی باشد. شکل مشخصی از سرمایه اجتماعی که در تسهیل بعضی از کنش‌ها ارزشمند است، می‌تواند برای کنش‌های دیگر بی‌فایده یا حتی مضر باشد. سرمایه اجتماعی برخلاف اشکال دیگر سرمایه در ذات ساختار روابط میان کنشگران وجود دارد. کلمن پس از این تعریف از سرمایه اجتماعی، مجموعه‌های مختلفی از کنش‌ها، پیامدها و روابط را سرمایه اجتماعی می‌نامد. از نظر او سرمایه اجتماعی ذاتا قادر به کار است و سرمایه اجتماعی هر آن چیزی است که به مردم و نهادها امکان عمل می‌دهد. بنابراین سرمایه اجتماعی یک مکانیسم، یک شیء یا یک پیامد نیست، بلکه به‌طور همزمان هر یک یا تمامی آنهاست. سرانجام اینکه سرمایه اجتماعی از نظر کلمن به لحاظ هنجاری و اخلاقی خنثی است یعنی نه مطلوب است و نه نامطلوب و صرفا با فراهم کردن منابع لازم، وقوع کنش‌ها را امکان‌پذیر می‌سازد.

مجموعه هنجارها

فرانسیس فوکویاما تعریف دیگری از سرمایه اجتماعی ارایه داد. او سرمایه اجتماعی را این‌گونه تعریف می‌کند: «سرمایه اجتماعی را به‌سادگی می‌توان به عنوان وجود مجموعه معینی از هنجارها یا ارزش‌های غیررسمی تعریف کرد که اعضای گروهی که همکاری و تعاون میان‌شان مجاز است، در آن سهیم هستند. مشارکت در ارزش‌ها و هنجارها به خودی خود باعث تولید سرمایه اجتماعی نمی‌شود، چراکه این ارزش‌ها ممکن است ارزش‌های منفی باشد.

تاثیر سرمایه اجتماعی بر رژیم‌های سیاسی

رابرت پوتنام اما نخستین کسی بود که به لحاظ رشته کار آکادمیک خود نزدیک‌ترین تعریف را آنچه امروز سرمایه اجتماعی خوانده می‌شود، ارایه کرد. او بر نحوه تاثیر سرمایه اجتماعی بر رژیم‌های سیاسی و نهادهای دموکراتیک تاکید کرده است. از نظر او، سرمایه اجتماعی مجموعه‌ای از مفاهیمی مثل اعتماد، هنجار و شبکه‌های ارتباطی میان افراد یک اجتماع است. سرمایه اجتماعی وسیله‌ای برای رسیدن به توسعه سیاسی و اجتماعی در سیستم‌های مختلف سیاسی است. پوتنام بر اعتماد تاکید زیادی می‌کند. از نظر او، اعتماد و ارتباط متقابل در شبکه‌های اجتماعی به‌عنوان منابعی هستند که در کنش‌های اعضای جامعه موجود است. نوع رابطه میان رژیم سیاسی و سرمایه اجتماعی در تئوری پوتنام این چنین است: وجود رژیم دموکراتیک منجر به افزایش سرمایه اجتماعی و وجود رژیم اقتدارگرا منجر به کاهش سرمایه اجتماعی می‌شود. وی معتقد است، رژیم اقتدارطلب، تمامی حوزه‌ها و نهادها را زیر نظر خود دارد و تفویض قدرت صورت نداده است و در تمامی موارد حضور دولت احساس می‌شود که خود می‌تواند باعث کاهش سرمایه اجتماعی شود. به این معنی که افراد در تمام زمینه‌ها دولت را مقصر و مسئول می‌دانند و خود مشارکتی در حل امور و مشکلات نمی‌کنند و از طرف دیگر به دلیل سنگین شدن وظایف دولت و عدم مشارکت مردم در وظایف شهروندی و سیاسی، دولت نمی‌تواند از عهده انجام وظایف به خوبی برآید، در نتیجه با به وجود آمدن مشکلات و نقص در انجام امور مختلف، مردم اعتماد خود را به دولت از دست می‌دهند و نسبت به تمام کارهای این دولت بدبین شده و او را از خود نمی‌دانند. این درحالی است که در شرایطی که دولت دموکراتیک وجود داشته باشد و دموکراتیزاسیون به مرحله تثبیت رسیده باشد، با تفویض قدرت میان بخش خصوصی و مردم، وظایفی که برعهده دولت است، کاهش می‌یابد و دولت تنها در نقش ناظر ایفای نقش می‌کند و کنترل امور را به دست خواهد داشت.

انباشت سرمایه اجتماعی؛ برون‌رفت از رکود جامعه

با توجه به همه آنچه گفته، آمد بالاخره می‌توان گفت: «سرمایه اجتماعی از مجموعه هنجارها و ارزش‌های موجود در سیستم‌های فکری، علمی، اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و سیاسی جامعه منتج می‌شود و این هنجارها و ارزش‌ها حاصل تاثیر نهادهای اجتماعی و اقتصادی ماست که دارای ویژگی اعتماد متقابل، تعامل اجتماعی، احساس هویت جمعی، گروهی و... است. مفاهیمی همچون اعتماد، همکاری و همیاری میان اعضای یک گروه یا جامعه شکل دهنده نظامی هدفمند است که باعث دستیابی به اهداف اثرشمند گروه می‌شود. از این رو شناخت عوامل موثر در تقویت یا تضعیف سرمایه اجتماعی می‌تواند به جوامع در گسترش ابعاد سرمایه اجتماعی کمک کند و موجب افزایش عملکرد اجتماعی و اقتصادی افراد در جوامع شود.

از جمله عناصر مهم سرمایه اجتماعی، اعتماد و مشارکت است. اعتماد مردم به یکدیگر، مردم به حکومت و نهادهای اصلی جامعه، اعتماد نهادهای مذکور به یکدیگر و نهادهای اصلی جامعه، اعتماد نهادهای مذکور به مردم، وجوه مختلف اعتماد اجتماعی را شکل می‌دهند. آزادی فعالیت مدنی و بسته نبودن راه و تشکیل نهادهای مستقل از قدرت و حجیم نبودن دولت نیز مقوم و محرک مشارکت عمومی است. اکنون اما برخی از جامعه‌شناسان معتقدند در ایران شکل مدنی سرمایه اجتماعی به‌صورتی کمرنگ به چشم‌می‌خورد.

ایرانیان به کالاهای عمومی از قبیل دموکراسی، امنیت اجتماعی و عدالت نیاز دارند و باید در توسعه این کالاها همکاری کنند. به هر اندازه هم که قانون‌های مناسب و دقیقی برای این‌گونه کالاهای عمومی وجود داشته باشد، تا اجتماع نخواهد و همکاری لازم را انجام ندهد حفظ این‌گونه کالاهای عمومی غیرممکن است. به نظر می‌رسد در ایران مفهوم همکاری گروهی و سرمایه اجتماعی، در روابط اجتماعی شناخته شده نیست. از سوی دیگر انباشت سرمایه اقتصادی و سیطره نظام ارزش افزوده در جهان مدرن با تمام پیش‌فرض‌هایش، وضعیتی سخت و محدود را برای انباشت سرمایه اجتماعی پدید آورده است چرا که شاید بیراه نباشد اگر بگوییم سرمایه و نظام ارزش افزوده درست در نقطه مقابل سرمایه اجتماعی قرار دارد و البته هرگونه کنش آن در راستای ارتقای وضعیت انباشت سرمایه اجتماعی به‌طور حتم در راستای تثبیت نظام ارزش افزوده است. تولیدات سرمایه‌داری پساصنعتی می‌کوشند نخست به هیأت مطالبات اجتماعی، فرهنگی در آیند تا بتوانند به آسانی آنها را به رنگ خواست خود درآورند و در این رهگذر درغلتیدن به پهنه سرمایه اجتماعی یکی از مولفه‌های همین رویکرد است. سویه‌های کنش سرمایه‌داری بی‌شک معطوف به وضعیتی است که به تثبیت خود می‌انجامد و در این مسیر از تفکر اینهایتی کننده نیز بهره‌های بسیار می‌جوید. نظام ارزش افزوده تمام تلاش خود را در این راستا قرار می‌دهد که همه مولفه‌های زیست اجتماعی را در خود هضم کند و از آن معجونی درآورد که در خدمت سرمایه است نه چیز دیگر. بنابراین به نظر می‌آید تز انباشت سرمایه اجتماعی برای حصول وضعیت بهتر در نظام سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی خود به‌مثابه نوعی آنتی‌تز است، در برابر تز نظام ارزش افزوده هر چند این را نباید از نظر دور داشت که بالقوگی معطوف به کنش در سرمایه اجتماعی نیز خود می‌تواند با کمترین فشار و نیرو به نظم نهادینی درآید که نظام ارزش افزوده پدیدآورنده آن است. بنابراین به نظر می‌رسد راهکار برون‌رفت جامعه ایرانی از وضعیتی که شکنندگی سرمایه اجتماعی در آن کاملا مشهود و میرهن است، تلاش بی‌وقفه مدنی برای بازتولید این سرمایه و نیز حفظ آن توسط نهادهای مدنی است که سالیانی است در ایران شرایط خوبی را تجربه نمی‌کنند.

• ایرانیان به کالاهای عمومی از قبیل دموکراسی، امنیت اجتماعی و عدالت نیاز دارند و باید در توسعه این کالاها همکاری کنند. به هر اندازه هم که قانون‌های مناسب و دقیقی برای این‌گونه کالاهای عمومی وجود داشته باشد، تا اجتماع نخواهد و همکاری لازم را انجام ندهد حفظ این‌گونه کالاهای عمومی غیرممکن است. به نظر می‌رسد در ایران مفهوم همکاری گروهی و سرمایه اجتماعی، در روابط اجتماعی شناخته شده نیست.

• از جمله عناصر مهم سرمایه اجتماعی اعتماد و مشارکت است. اعتماد مردم به یکدیگر، مردم به حکومت و نهادهای اصلی جامعه، اعتماد نهادهای مذکور به یکدیگر و اعتماد حکومت و این نهادها به مردم، وجوه مختلف اعتماد اجتماعی را شکل می‌دهند. آزادی فعالیت مدنی و بسته نبودن راه و تشکیل نهادهای مستقل از قدرت و حجیم نبودن دولت نیز مقوم و محرک مشارکت عمومی است. اکنون اما برخی از جامعه‌شناسان معتقدند در ایران شکل مدنی سرمایه اجتماعی به‌صورتی کمرنگ به چشم می‌خورد.

منابع و مآخذ:
۱- پوتنام، رابرت، دموکراسی و سنت‌های مدنی، محمد تقی دلفروز، ۱۳۸۰
۲- فوکویاما، فرانسیس، پایان نظم- سرمایه اجتماعی و حفظ آن، ترجمه غلامعباس توسلی، انتشارات جامعه ایرانیان، تهران، ۱۳۷۹
۳- کلمن، جیمز، بنیادهای نظریه اجتماعی، ترجمه منوچهر صبوری، نشر نی، تهران، ۱۳۷۷

پرانتز

لزوم پرداختن به دیپلماسی سبز

محمد مهدی نجفی خواه
کارشناس ارشد انسان‌شناسی

فروردین‌ماه امسال صحنه برتری گفتمان دیپلماتیک در عرصه سیاسی و بین‌المللی بود. هرچند روزهای آغازین سال همراه با تعطیلاتی طولانی و موقعیتی برای پرداختن به مسائل شخصی است، اما تعطیلات نوروز امسال همراه با هیجان مباحث دیپلماتیک مرتبط با موضوع انرژی هسته‌ای ایران بود. دیپلمات‌های ۶ کشور مطرح جهان همراه با تیم دیپلماتیک ایران روزهای متوالی پیرامون یک موضوع خاص به گفت‌وگو پرداختند و ماحصل آن بیانیه‌ای بود که می‌تواند سرآغاز فصل نوینی در روابط بین‌المللی ایران باشد. در روزهای برقراری مذاکرات جامعه بیش از پیش درگیر مسائل سیاسی شده و پیگیر مذاکرات سیاسی بود. این اتفاق توان دستگاه دیپلماسی را در حل مشکلات جامعه نمایان کرد.

باتوجه به آنچه گفته شد می‌توان پیشنهاد داد از این توان دیپلماتیک در راستای رسیدگی به مشکلات و مسائل محیط‌زیستی نیز استفاده شود. بسیاری از مشکلات و بحران‌های محیط‌زیستی ایران با همسایگان اشتراک دارد و در برخی موارد برخی از بحران‌های محیط‌زیستی در کشورهای همسایه، شهروندان ایرانی را نیز مورد آسیب قرار می‌دهد. البته در مواردی عکس این قضیه و آسیب رساندن به همسایگان‌مان نیز محل بحث است. برای مثال می‌توان به آلودگی هوای استان‌های غربی کشور و افزایش سطح ریزگردها در هوای شهرهای استان‌هایی مثل خوزستان اشاره کرد. براساس آنچه گفته شده و افکار عمومی نیز با آن آشنا هستند بخشی از عوامل بروز ریزگردها از کشورهای همسایه است. محیط‌زیست و به تبع آن بحران‌های محیط‌زیستی مرزهای جغرافیایی را نمی‌شناسد و اگر منطقه‌ای دچار بحران شود، مناطق همجوار و نزدیک به آن نیز دچار بحران‌هایی خواهند شد.

برقراری همکاری بین‌المللی با کشورهای همسایه می‌تواند شرایطی را فراهم کند که طی آن ابعاد مختلف بحران‌های محیط‌زیستی با همکاری بین کشورها بررسی و برای رفع آن برنامه‌ریزی شود. علاوه‌بر همسایگان ایران دیگر کشورها که در زمینه‌های محیط‌زیستی تخصص دارند می‌توانند ایران را در رفع بحران‌های محیط‌زیستی‌اش یاری کنند. برقراری این همکاری مواجه کرده است که می‌توان با استفاده از ظرفیت‌های دیپلماتیک کشورها را مجاب به حفاظت از محیط‌زیست کرد.

دیپلماسی و نهاد رسمی محیط‌زیست می‌تواند شرایط بهتری را برای بهبود وضع محیط زیستی ومقابله با بحران‌های محیط‌زیستی به‌وجود آورد.

یکی دیگر از مسائلی که باتوجه به مشترک بودن حداقل ۵ حوضه آبریز مشترک و رودخانه‌های مشترک ایران با همسایه‌های خود مطرح است، رسیدن به شرایطی متوازن برای بهره‌وری از منابع آبی و پایدار ماندن آب‌های سطحی است. در مورد مسائل آب و بحران‌های وابسته به آن، ایران باید با همسایه‌های خود در مورد احیای برخی از منابع آبی داخلی و برخی از منابع که با همکاری همسایه‌ها می‌توانند احیا شود، به توافق برسد.

بحران آب یکی از جدی‌ترین بحران‌هایی است که امنیت کشورهای خاورمیانه را تهدید می‌کند. کشورهای منطقه خاورمیانه با توجه به این که در منطقه‌ای نسبتا گرم و خشک واقع شده‌اند باید تلاش کنند تا در مورد مسأله آب به توافقی منطقه‌ای دست یابند. اگر گفت‌وگو پیرامون مسأله آب بین دولت‌های منطقه شکل بگیرد قوام بخش صلح و آشتی بین ملت‌ها خواهد شد ولی اگر رقابت مخرب محیط‌زیست و استفاده بی‌رویه از منابع آب همچنان ادامه پیدا کند، منازعه در آینده‌ای نه چندان دور شاهد نزاع‌هایی بر سر دسترسی به منابع آبی خواهیم بود.

دستگاه دیپلماسی کشور باید تلاش کند ایران به معاهدات بین‌المللی محیط‌زیستی بپیوندد و شرایط برای حفاظت از محیط‌زیست بیشتر فراهم شود. در کنار این دیپلمات‌های ایرانی باید در روابط بین‌الملل خود دقت کنند که ایران نباید با کشورهایی که اهمیت چندانی برای محیط‌زیست قایل نیستند رابطه دوستانه‌ای داشته باشد و دولت ایران باید خود را موظف کند علاوه بر این که حفاظت از محیط‌زیست را برای خود امری واجب می‌داند بلکه سایر کشورها را نیز به حفاظت از محیط‌زیست دعوت کند.

دکتر محمدجواد ظریف و دستگاه دیپلماسی کشور در مذاکرات هسته‌ای سوییس نشان دادند، علاوه بر آن که با توانایی خود قادر هستند مشکلات پیچیده بین‌المللی را حل کنند بلکه توانایی‌هایی دارند که می‌توان از آنها برای حفاظت از محیط‌زیست ایران و مشارکت در حل بحران‌های محیط‌زیستی استفاده کرد. الگوی توسعه نامتوازن و بهره‌برداری بی‌رویه از منابع طبیعی محیط‌زیست جهانی را با بحرانی جدی مواجه کرده است که می‌توان با استفاده از ظرفیت‌های دیپلماتیک کشورها را مجاب به حفاظت از محیط‌زیست کرد.

جهان دوم

کتابفروشی طهوری را دریابید!

هر دم از این باغ بری می‌رسد! کتابفروشی طهوری در آستانه ی تعطیلی است. این کتابفروشی که از سال ۲۴ به خیابان انقلاب آمده است از سال ۲۳ کار خود را در خیابان ملت آغاز کرد. این کتابفروشی چهارمین کتابفروشی راسته ی خیابان انقلاب بود. مدیر کتابفروشی طهوری دلیل تعطیلی و فروش کتابفروشی ۲۶ ساله را بدهی ناشی از هزینه‌های کمرشکن نشر کتاب و هزینه‌هایی مانند عوارض شهرداری و مالیات و دیگر چیزهانام برد. واقعا باید به وضعیت فرهنگی این مملکت گریست.

از صفحه فیس بوک امیر رضا ستوده